

نقش کشت سیب درختی در توسعه کالبدی مساکن روستایی مطالعه موردی: دهستان وردشت شهرستان سمیرم

سعیده رشیدی* (دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد)

چکیده

دهستان وردشت در شهرستان سمیرم به دلیل شرایط اقلیمی و جغرافیایی برای کشت محصولات باغی به ویژه سیب مناسب است. کشت سیب در این منطقه علاوه برافزایش درآمد کشاورزان باعث تغییر و تحولاتی در وضعیت کالبدی روستاهای منطقه از جمله باعث تغییر در مساکن روستایی این دهستان شده است. در این تحقیق در ابتدا به بررسی عوامل مؤثر در تولید سیب در منطقه پرداخته می شود، سپس به بررسی نحوه چگونگی تغییر در فضای واحدهای مسکونی، بررسی انواع مصالح ساختمانی در مساکن روستایی. روش مورد استفاده در این پژوهش جهت جمع آوری اطلاعات، استفاده از دو شیوه میدانی (مشاهده، مصاحبه با کشاورزان و مسئولان جهاد کشاورزی و مردم محلی) و کتابخانه ای (کتاب ها، مقالات، پایان نامه ها) است. روش تجزیه و تحلیل به شیوه (کیفی) توصیفی- تحلیلی و کمی می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد که مهمترین عوامل مؤثر در تولید سیب در این منطقه شرایط اقلیمی، خاک مناسب، کسب درآمد بیشتر می باشد و کشت سیب درختی باعث افزایش درآمدها و تغییر در نوع مصالح ساختمانی مورد استفاده و تغییر در فضای کاربری داخلی و بیرونی مساکن و تقلید از معماری سبک شهرها می شود و روستا از حالت سنتی خود خارج می شود.

واژگان کلیدی: سیب درختی، توسعه، توسعه کالبدی، مساکن روستایی

مقدمه

در تمامی فعالیت های بشری، این کشاورزی است که محیط جهانی را با بزرگترین وسعت دگرگون می کند (چمبرز، ۱۳۸۱). در تداوم حیات انسانی، کشاورزی و تولیدات آن دارای نقش بنیادی است. در عرصه جهانی، نگرشی بر زمینه های تحولی جوامع پیشرفته کنونی گویای آن است که منشأ توسعه یافتگی بسیاری از این ممالک، مازاد تولید در بخش کشاورزی بوده و در مراحل اولیه توسعه، مبناساز تحولات شده است (مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۶: ۸۵). کشاورزی تأثیراتی در زنگی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی سکونتگاههای روستایی دارد. آدمی از همان ابتدای پیدایش جوامع و مراکز زیستی برای پاسخ به نیازهای خویش سعی کرده محیط را تحت کنترل خود درآورد. یکی از اشکال مهم این تطابق در عرصه مسکن ظهور و نمود پیدا می کند. به طوری که نیاکان ما در هر منطقه و شرایط آب و هوایی با تلاش در ایجاد فضای مناسب به فرم ها و مصالح مطابق با آن داشته اند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۷). می توان گفت ساخت و ساز مسکن و سایر تأسیسات ضروری برای سکونت نژادهای مختلف در مناطق جغرافیایی از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد به دست انسان آغاز شده است (نستورخ، ۱۳۸۵). در نزد هریک از افراد جامعه بعد از خوراک و پوشاک، مسکن سومین نیاز اساسی است، مسکن پاسخگوی یکی از نیازهای حیاتی بوده و از نظر اقتصادی یکی از فعالیت های عمده آن است که بازتاب زیادی بر دیگر ابعاد مختلف حیات اجتماعی دارد (زنجانی، ۱۳۷۱). معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می دهد که تجلی کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت، از نفس سکونت و شیوه زیست در روستاها نشأت می گیرد، به همین دلیل مسکن در روستاها، علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه ای از نظام تولیدی روستا را نیز در برمی گیرد و به گونه ای متقابل با آن پیوند می خورد، زندگی روستایی و نوع نگرش روستاییان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش او برای ساخت و تولید و شیوه های بهره وری باعث می شود تا اجزا محیط به مطلوب ترین و در عین حال، رعایت سادگی و برقراری رابطه ای منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارایی شکل گیرد. سازمان فضایی کالبدی روستا که انعکاس ارزشهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن به شمار می رود، متأثر از این نحوه کارکرد شکل می گیرد. در حالی که فضاهای مسکونی شهری هر عنصر فضای کارکردی معین را به صورت ویژه و منحصر به فرد، به خود اختصاص می دهد، در فضای مسکونی روستایی بیشتر عناصر فضایی علاوه بر کارکردی خاص، کارکردهای مکمل با دیگر عناصر را نیز عهده دار می باشند، به طوری که گاهی هویت و بقای آنها در ارتباط با کارکرد کلی مجموعه معنا پیدا می کند. این مسئله تا آنجا پیش می رود که برخی معماری روستایی را یک معماری عملکردگرا می نامند (سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۴۴).

مفاهیم و ادبیات تحقیق

توسعه

امروزه توسعه همپای زندگی بهتر تلقی می شود و جوامع نسبت به گذشته بیشتر از آن منتفع می گردند. توسعه جریانی است چندبعدی که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان درآمد و تولید، شامل دگرگونی های اساسی در ساختمانهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای عمومی مردم است. (ازکیا، ۱۳۷۰: ۱۸).

باغداری

ایجاد باغ و بهره برداری آن، نشانه یک مرحله از تحول بسیار چشمگیر و بیان کننده تکامل در اقتصاد زراعی و روستایی است. مناطق معتدل یا نیمه خشک و مدیترانه ای از این بابت به سرعت پیشرفت کرده اند. باغداری نشانه تملک خصوصی و ورود به مرحله اقتصاد تجاری بوده است. در مناطق خشک و نیمه خشک، مفهوم باغ نشانه آبادی کامل و واقعی است. ایجاد باغ نه تنها نوعی تعدیل در محیط طبیعی کم گیاه یا اقلیم خشک است، بلکه اقدامی جهت رفع پاره ای از کمبودهای غذایی است. در بعضی نواحی باغات میوه در فضای زیرین خود سایه اندازی کرده و محیطی که تابش خورشید را می کاهد فراهم می سازد که برای سبزیکاری بکار گرفته می شود. در بعضی مناطق حتی سایه انداز درختان میوه را به کاشت علوفه اختصاص می دهند. در باغداری وجود راههای مناسب و دسترسی به بازار اهمیت ویژه ای دارد. اگرچه کشت درختان میوه و بهره برداری از آنها یکی از ارکان اقتصادی روستاها را تشکیل می دهد، با این وجود نوع درخت، سطح زیر کشت و میزان برداشت در مناطق مختلف روستایی کشور متفاوت است. باغداری بر خلاف زراعت در گذشته نشانی از تملک زارعان بر زمین به حساب آمده و اصطلاح حق ریشه (نسق) در این زمینه بکار رفته است و برای این که صاحبان نسق در ده ریشه پیدا نکنند مالکان اراضی آنها را از درختکاری در اراضی خود منع می کردند و باغ ها عموماً "به مالکان تعلق داشت (حسینی ابری، ۱۳۸۳: ۲۲۶-۲۲۴).

کالبد

در فرهنگ و بستر، کالبد به مفهوم پدیده ای است که دارای شکل مادی است که وزن، حرکت و موقعیت آن قابل اندازه گیری باشد، آماده است. یا اینکه بخش های حمایت کننده و تشکیل دهنده یک ساختار و در کنار هم قرار گرفتن آنها، به طور کلی موجب شکل دادن، یکپارچگی و تداوم آن در یک سیستم می شود. کالبد سه بعدی است و تعریف کننده و تجدید کننده فضا به شمار می رود، محل وقوع فعالیت است و منظور از فعالیت، فعالیت های عمومی نظیر فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... مقیاس منطقه ای و ملی است. بر این اساس فرم (کالبدی) در مقیاس ملی معنی و مفهوم چندانی ندارد. و در مقیاس منطقه ای نیز تنها عوارض طبیعی و مصنوعی برجسته و عمده را نشان می دهد (بحرینی، ۱۳۷۱: ۳۴۰).

به این ترتیب در این پژوهش، مفهوم کالبد شکل عینیت یافته پدیده‌ها در اثر ایفای نقش‌های اساسی انسان در محیط طبیعی بوده، و به وسیله انسان قابل لمس و مشاهده است. نظیر فیزیک روستا، شهر و تمامی ساخت و سازهای عینیت یافته بر روی سطح زمین می‌باشد.

بافت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی نمایانگر نحوه نظم‌پذیری خانه‌ها و استقرار اراضی زراعی و نیز چگونگی قرار گرفتن راهها، میادین (شبکه معابر) در کنار یکدیگر است. شکل‌پذیری مبتنی بر برنامه نمایانگر زیربنا و کالبدی منظم است و بر عکس برپایی و توسعه خود به خودی نمایانگر کالبدی نامنظم است. تغییر شکل روستاها نشانگر روند جاری تحول سکونتگاه روستایی از لحاظ بافت کالبدی است (سعیدی، ۱۳۸۴: ۵۳ - ۵۲). در این تحقیق منظور از کالبد مساکن روستایی است، به طور کلی هر آنچه که در فضای روستا قابل دیدن و لمس کردن باشد و به شکل فیزیکی در فضای روستا تبلور یافته باشد کالبد است؛ که این تبلور کالبدی نه تنها از عوامل محیطی بلکه از عوامل اقتصادی، اجتماعی و نحوه ارتباط کنش متقابل این عوامل در روند زمانی نیز تأثیر می‌پذیرد.

طرح مساله

اگرچه نیاز اولیه انسان، تأمین مواد غذایی است، اما نیاز به یافتن سر پناه، محافظت در برابر عناصر خشن و نامساعد محیط پیرامون، گرما و سرمای شدید، محافظت در برابر جانوران وحشی و حشرات و شاید از همه مهمتر، محافظت در مقابل اعمال دشمنانه هموعان نیز نیازی بنیادی است (سعیدی، ۱۳۸۴). مسکن عمده ترین عنصر تشکیل دهنده بافت‌های روستایی است؛ سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط، تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستاست. مسکن در روستاها علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در بر می‌گیرد. بدان معنا که در اکثر مواقع خانه‌های روستایی فقط محل خواب و استراحت نیست، بلکه محل کار و تولید نیز هستند (سرتیپی پور، ۱۳۸۸). در نظام زندگی روستایی کار و معیشت و سکونت تداخل گسترده‌ای دارد، اصولاً زندگی روستایی بر خلاف زندگی شهری بر اساس تفکیک زمانی فعالیت‌ها سازمان نیافته است و سکونت و کار زمان‌های متداخلی دارند. فضاهای سکونت و کار، نیز تداخل دارند و محیط مسکن محل نگهداری محصولات و وسایل و ادوات نیز می‌باشد و بخش از کار در منزل انجام می‌شود. اصل خودکفایی سبب می‌شود که تولید بسیاری از وسایل و مایحتاج در منزل صورت گیرد. دام و حشر نیز به همین صورت در محدوده مسکونی خانوار نگهداری می‌شوند. بنابراین محیط منزل علاوه بر سکونت، انبار محصولات و وسایل، اغل دام و محل نگهداری ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی و تولید صنایع دستی و خانگی نیز می‌باشد. به هر حال خصلت‌های تولیدی و معیشتی مسکن قسمتی از ساختار مسکن روستایی است که به آن وجه اقتصادی می‌دهد (مهندسان مشاورتدبیر شهر، ۱۳۸۳). دهستان وردشت به علت شغل اکثریت مردم یعنی کشاورزی و باغداری و دامداری، شیوه ساخت مسکن تحت

تأثیر این مشاغل قرار دارد، کشت سیب در این منطقه که تحت تاثیر اقلیم مساعد، خاک مناسب صورت می گیرد منجر به تغییر کاربری مساکن روستایی، تغییر در نوع مصالح ساختمانی، تقلید روستاییان از معماری مساکن شهری می شود.

روش و ابزار پژوهش

در این پژوهش جهت جمع آوری داده ها از دو روش اسنادی و کتابخانه ای استفاده شده است. در روش اسنادی یا کتابخانه ای داده ها از طریق مطالعه کتابها و مقالات مرتبط با موضوع بحث، بحث و همفکری با افراد صاحب نظر در مورد موضوع مورد مطالعه. بکار گیری روش مطالعات میدانی یا پیمایشی سهم عمده ای در تکمیل اطلاعات و تجزیه و تحلیل و دست یابی به اهداف تحقیق دارد، مشاهده، پرسشگری از اهالی روستا، مصاحبه با مدیران محلی و کارشناسان و افراد مطلع، سپس داده های گردآوری شده هم از طریق روش آماری و هم از طریق تحلیل مشاهدات به صورت کیفی مورد تجزیه و ارزیابی قرار می گیرند. به منظور پردازش و وصول به نتیجه از اطلاعات گردآوری شده از روش کمی و کیفی به صورت توأمان بهره گیری می شود. اما با توجه به محدودیت های روش کمی و آماری، تأکید بر استفاده از روشهای کیفی است. حجم جامعه آماری ۱۲ آبادی با ۴۴۴۳ نفر جمعیت (۱۰۲۲ خانوار روستایی) دهستان وردشت می باشد که برای مطالعه و بررسی دقیق تحولات مسکن پرسشنامه طراحی و تدوین گردیده است. که تعیین نمونه در سطح دهستان با استفاده از روش نمونه گیری ناحیه ای و لایه بندی تلفیقی انجام شده است. در این روش نمونه گیری با در نظر گرفتن دو عامل موقعیت توپوگرافی (کوهستانی ، دشتی یا جلگه ای) و فعالیت های اقتصادی (زراعت، باغداری) صورت گرفته است. که روستاهای نمونه با تهیه نقشه موقعیت توپوگرافی و اشتغال بر روی یکدیگر قرار گرفتند. سپس روستاها با توجه به موقعیتشان (مرکزیت نسبت به روستاهای اطراف) ۱۲ روستا انتخاب شدند. سپس در انتخاب حجم نمونه از روش کیفی و اغنایی استفاده شده است، بدین ترتیب که از طریق مشاهده و بررسی میدانی نقش تولید محصولات کشاورزی بر وضعیت مساکن روستاها مورد مطالعه قرار گرفته اند. و از طریق همین روش به این نتیجه رسید که جامعه آماری همه شبیه به هم هستند و تأثیر گذاری کشت محصولات باغی و کشاورزی بر وضعیت مساکن روستاها شبیه به یکدیگر است و روش اغنایی بهترین روش است.

اهداف پژوهش

۱. بررسی عوامل موثر در کشت سیب درختی در منطقه
۲. بررسی نحوه چگونگی تغییر در فضای واحدهای مشکونی
۳. بررسی انواع مصالح ساختمانی در مساکن روستایی

پرسشها

۱. مهمترین عوامل مؤثر در تولید سیب در منطقه کدامند؟
۲. تغییر در فضای داخلی و بیرونی مساکن روستایی منطقه چگونه است؟
۳. مصالح ساختمانی مورد استفاده در مساکن روستایی چیست؟

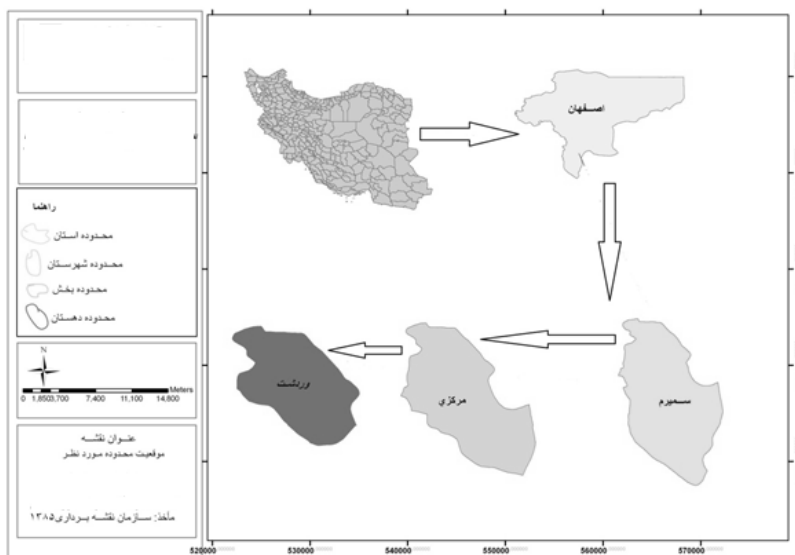
فرضیات

۱. اقلیم مساعد، خاک مناسب و کسب درآمد بیشتر از مهمترین عوامل کشت سیب در منطقه می باشد.
۲. بعد از تغییر در نوع کشت و تبدیل به کاشت سیب درختی، این تغییر منجر به تغییراتی در فضای داخلی و بیرونی مساکن روستایی شده است.
۳. بعد از کشت سیب، تغییراتی در نوع استفاده از مصالح ساختمانی بوجود آمد و استفاده از مصالح سنتی جای خود را به استفاده از مصالح جدید داد.

معرفی قلمرو پژوهش

در شهرستان سمیرم در استان اصفهان از شمال به کوه های دشتک، از جنوب به کوه صوتک، از شرق به کوه های دولت قرین و از غرب به مرز استان چهارمحال بختیاری محدود می شود. این دهستان از لحاظ موقعیت ریاضی در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه شرقی و ۳۱ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۲۴۴۰ متر است. از لحاظ موقعیت نسبی از طرف شمال به شهرضا، از غرب به استان چهارمحال بختیاری، از شرق به استان فارس و از جنوب به مرکز شهرستان (سمیرم) محدود می شود. این دهستان با وسعت ۱۳۰۰ کیلومتر مربع در شمال شهرستان سمیرم قرار دارد و از ۷۳ روستا تشکیل شده است (مهندسان مشاور سپاهان آرا، ۱۳۷۲).

شکل شماره (۱): معرفی محدوده ی مورد مطالعه



جدول شماره (۱): حجم جامعه آماری

شماره ردیف	نام روستا	موقعیت	فعالیت اقتصادی
۱	آغداش	دشتی	کشاورزی
۲	حیدرآباد	دشتی	کشاورزی
۳	سعادت آباد	تپه ای	کشاورزی
۴	قره قاچ	تپه ای	کشاورزی
۵	کزن	تپه ای	کشاورزی
۶	مهرگرد	تپه ای	کشاورزی
۷	فتح آباد	دشتی	کشاورزی
۸	نورآباد قرمزی	دشتی	کشاورزی
۹	علی آباد دهکرد	دشتی	کشاورزی
۱۰	دیزجان	تپه ای	کشاورزی
۱۱	چشمه سرد	دشتی	کشاورزی
۱۲	ده نسا علیا	تپه ای	کشاورزی

مأخذ: مرکز آمار ایران

یافته های پژوهش

عوامل مؤثر در کشت سیب

• اقلیم و خاک

درختان سیب در مناطقی که دارای آب و هوای سرد معتدل بوده و میزان بارندگی سالیانه آن حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیمتر باشد به خوبی رشد می کند. مقاومت درختان سیب در مقابل سرما به مراتب بیشتر از گرما بوده و بعضی از انواع سیب قادر هستند که سرمای ۴۰ درجه سانتیگراد زیر صفر را بدون صدمه تحمل کنند و چون ریشه های درختان سیب سطحی می باشند این درختان در مناطق خشک از کمبود آب خسارات زیادی را متحمل می شوند. از طرف دیگر به دلیل میزان ساعات آفتابی زیاد در این منطقه با ۳۰۰۰ ساعت، این نور خورشید تأثیر زیادی در رنگ سیب و طعم سیب دارد و درختانی که نور بیشتری دریافت می کنند میوه بهتری دارند. روستاهای نمونه که در موقعیت دشتی قرار دارند (آغداش، حیدرآباد، فتح آباد، نورآباد، چشمه سرد و علی آباد دهکرد) و روستاهای تپه ای / کوهستانی (قره قاچ، کزن، مهرگرد، دیزجان، ده نسا علیا و مهرگرد) دارای شرایط اقلیمی مناسبی برای کاشت سیب هستند.

مناسب ترین خاک در درختکاری خاک های شنی است که باید مقدار کافی هوموس داشته باشد و دارای خاک زیرین نسبتاً عمیق و قابل نفوذ به آب و هوا بوده و حدود ۳۰ درصد تا ۴۰ درصد رس داشته باشد و خاک سطح الارض مستعد و غنی بوده و با خاک زیرین یکدست باشد. باید محل احداث باغ طوری باشد که سطح آب زیر زمینی زیاد بالا نباشد، زیرا از یک طرف سبب جلوگیری از گسترش و نفوذ ریشه درختان در زمین می شود و از طرف دیگر به دلیل رطوبت فوق العاده ذرات خاک مانع از رسیدن اکسیژن به ریشه درخت می شود. بهترین زمین جهت کشت درختان سیب زمینهای لیمونی یا لیمونی - شنی می باشند که دارای هوموس کافی باشد و درختانی که در زمینهای سبک شنی کاشته شده باشند دارای رنگ بهتری هستند و اکثر روستاهای نمونه دارای این نوع خاک می باشند و درختان سیبی در ارتفاعات قرار گرفته اند، خاصیت انبارداری بیشتری نسبت به میوه های حاصل از درختانی که در دره ها و ارتفاعات کم قرار گرفته اند دارا می باشند مثل باغ های روستاهای مهرگرد، قره قاچ، کزن، ده نسا علیا، سعادت آباد و دیزجان.

• بازار بهتر و فروش بیشتر سیب و افزایش درآمد

منطقه وردشت با توجه به نوع اقلیم و کوهستانی بودن در تولید سیب دارای اهمیت ویژه ای است. در سالهای اخیر به دلیل خشکسالی و سرمازدگی، کشت محصولاتمانند گندم و جو به تنهای به صرفه نبوده و همچنین کشاورزان به دلیل کسب درآمد بیشتر به باغداری و کشت سیب روی آورده اند و سیب در مقایسه با محصولات دیگر منطقه از لحاظ اقتصادی سود زیادی را برای مردم منطقه به همراه داشته است و باعث افزایش درآمد خانوار می شود.

• تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و کالبدی روستاها

از دیگر دلایل انتخاب کاشت سیب تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی بود، تا چند دهه اخیر این منطقه به عنوان منطقه ای بن بست معرفی شده بود و به علت محدودیت های فراوان ناشی از عدم وجود شبکه راههای ارتباطی مناسب، کوهستانی بودن منطقه و زمستان های سرد و پر برف، اقتصاد منطقه به صورت بسته بوده که ارتباط بسیار محدودی با دیگر مناطق داشته است. کشاورزی تا دهه ۵۰ در این منطقه بر شیوه های سنتی استوار بوده و تولیدات خانوارها در درجه اول به کشت غلات اختصاص داشت و درصد زیادی از آن در انبارها نگهداری می شده و برای رفع نیازهای خانوار بود. و اگر مازاد تولیدی وجود داشت به وسیله مغازه داران خریداری می شد و این مبادله بین کشاورز و مغازه دار به صورت نقدینگی نبود بلکه به صورت مبادله کالا به کالا بود مثلاً کشاورز مقداری گندم به مغازه دار می داد و در قبال مقدار گندمی که می داد جنس مورد نظر خود را دریافت می کرد. ولی از سال ۱۳۵۰ به بعد کشاورزی از شیوه سنتی به نیمه مکانیزه تبدیل شد. وضعیت راههای ارتباطی بهتر شد، روابط اقتصادی و حتی اجتماعی با دیگر شهرها و نقاط دیگر گسترش یافت. و کشاورزان دیگر به فکر کشت محصولات که صرفاً نیازهایشان را برآورده کند نبودند و به فکر درآمد و سود بیشتر بودند و این درآمد زیاد در دهه های اخیر متکی بر کشت سیب درختی بوده است که با توجه به کیفیت آن بازارهای داخلی و خارجی را به خود جذب نموده است. و گسترش باغات سیب در منطقه با صرفه و سود زیادی همراه بوده است و همین امر منجر به تغییراتی در وضع اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستاها گردیده است.

تغییرات کالبدی در مسکن روستایی ناشی از کاشت سیب در منطق

مسکن روستایی

مسکن عمده ترین عنصر تشکیل دهنده بافت های روستایی است؛ سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط، تأثیر اقتصاد، سنت ها و هنارهای حاکم بر جامعه روستاست. مسکن در روستاها علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت، حلقه ای از نظام تولیدی روستا را نیز در برمی گیرد و به گونه ای متقابل با آن پیوند می خورد. بدان معنا که در اکثر مواقع خانه های روستایی فقط محل خواب و استراحت نیست، بلکه محل کار و تولید نیز هستند (سرتیپی پور، ۱۳۸۸: ۳۹).

نحوه ساخت خانه ها، وسعت و فضای آنها، عامل دفاع، نوع معیشت، ارتباطات و دامنه روابط و مصالح به کاررفته به خانه ها چهره خاصی می بخشد. الگوی خانه ها تجلی نیروها و عوامل موثر در شکل گیری آنهاست و از طریق بررسی ویژگیهای خانه های روستایی می توان به روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین به ارزشهای فرهنگی و سنن و آداب در زمان برپایی آنها و نیز چگونگی توسعه و گسترش روستاها پی برد. بنابراین نحوه ساخت ختنه های روستایی تا حد زیادی به طبقه بندی روستاها بر اساس گروههای اجتماعی و تعیین قدمت و

تاریخ تکوین آنها کمک می‌کند. این خانه‌ها برای سکنه خود فضای لازم را برای کار و زندگی، انبار کالا و آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و تبادل نظر، اجرای مراسم مذهبی و ... مهیا می‌سازد. به طور کلی در بررسی خانه‌های روستایی می‌توان جنبه‌های زیر را مورد توجه خاص قرار داد:

- وسعت و شکل فضای آزاد (فضای حیاط و باغچه)
 - ارتباط نحو ساخت بنا و مصالح ساختمانی مورد استفاده با محیط اطراف
 - ارتفاع خانه یا تعداد طبقات ساختمان
 - تعداد اتاقها و کارکرد هریک از آنها
 - شیوه ساخت و معماری
 - سطح زیربنا و سطح مفید بر اساس سطح مسکونی، سطح مورد استفاده اقتصادی، سطح انبارها و مانند آن
- سطح زیر بنا و مهمتر از آن، سطح مفید خانه‌های روستایی که به اتاقهای مسکونی و سایر فضاهای کارکردی تقسیم می‌شود نمایانگر ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی خانه‌های روستایی و پایگاه اجتماعی خانواری است که در آن اسکان دارد (سعیدی، ۱۳۸۶: ۷۵).
- یکی از مهمترین تغییرات کالبدی ناشی از کاشت سیب در روستاهای نمونه تغییر در وضعیت مسکن روستایی است.
- در خانوارهای باغدار و کشاورز نوع مسکن روستایی و همچنین کاربری فضای داخلی خانه‌ها متفاوت می‌باشد. در روستاهای نمونه مسکن اکثر خانوارهای باغدار و کشاورز در یک طبقه ساخته شده است که مخصوص اقامت اهالی خانوار می‌باشد و در حیاط خانه کاربری‌های دیگری که به معیشت خانوار بستگی دارد ساخته شده است. انبار ابزار و ادوات کشاورزی، پارکینگ برای ماشین‌های کشاورزی، انبارذخیره محصولات کشاورزی در داخل حیاط ساخته شده‌اند. و گاهی مسکن خانوار باغدار در حاشیه روستا و در کنار باغ ساخته شده است.
- با تغییر در نوع کشت و تبدیل به کشت سیب درختی، ۷۵ درصد به تغییر در فضای مسکونی جواب مثبت و ۲۵ درصد جواب منفی دادند.

جدول شماره (۲): نحوه تغییر در واحدهای مسکونی در روستاها

چگونگی تغییر در واحدهای مسکونی		
درصد فراوانی	فراوانی نسبی	
۵۰	۶	فضای بیرونی
۱۶.۷	۲	فضای داخلی
۱۶.۷	۲	گزینه ۲و۱
۸۳.۳	۱۰	مجموع
۱۶.۷	۲	بدون جواب
۱۰۰	۱۲	مجموع

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده سال ۱۳۹۲

با تغییر در نوع کشت در مرتبه اول ۵۰ درصد کاربری فضای داخلی خانه ها را تغییر دادند. با فروش بیشتر سیب و افزایش درآمد و به دنبال آن افزایش راههای ارتباطی و تأثیرپذیری از فرهنگ شهری روستائیان فضای داخلی خانه های خود را تغییر دادند و این تغییر در فضای خانه ها متناسب با میزان درآمد، نوع اشتغال خانواده های روستایی بود. مثلاً خانه های روستا که در دهه ۵۰ یا ۶۰ ساخته می شدند فاقد بعضی از فضاها مثل اتاق نشیمن یا پذیرایی و حتی آشپزخانه به سبک امروزی بودند که با افزایش درآمد ناشی از فروش سیب این فضاها را به خانه خود اضافه کردند و خانه های جدیدی که در روستا ساخته می شوند با تأثیرپذیری از زندگی شهری دارای تمام فضاها هستند. تغییر در فضای بیرونی خانه ها ۱۶.۷ درصد و تغییر در هر دو فضای داخلی و بیرونی خانه ها ۱۶.۷ درصد را به خود اختصاص داده است. خانوارهایی که درآمد بیشتری دارند این تغییر را هم در فضای داخلی و هم در فضای خارجی خانه ها ایجاد می کنند. تغییر در فضای بیرونی شامل نما کردن خانه ها با آجرها و سنگ های تزئینی، تبدیل در خانه ها از چوبی به آهنی، ایجاد اتصالات الکترونیکی مثل اف اف در خانه ها، موزائیک کردن حیاط خانه ها، ایجاد دیوار جهت جداسازی فضای خانه از فضای کوچه و ... در روستاهای نمونه). در خانه های روستایی کاربری های متفاوتی در وضع کالبدی خانه ها ایجاد شده است مثلاً در خانواده باغدار انبار ادوات کشاورزی در داخل حیاط خانه و در صورت داشتن دام، طویله و انبار علوفه در طبقه زیرین ساختمان قرار دارد. پس در روستاها متناسب با نوع فعالیت، بافت و ساختار خانه ها تغییر می کند.

مصالح ساختمانی مورد استفاده در روستاها را می توان به دو گروه تقسیم کرد. این مصالح معمولاً خارج از محدوده روستا هستند و از شهرهای دور و نزدیک به محل حمل می شوند. گروه دوم مصالح بومی و سنتی است

که از محیط اطراف روستا تهیه شده و بیشتر در ساخت مسکن به کار گرفته می شود (سرتیپی پور ، ۱۳۸۸ : ۲۳).

به طور کلی مواد و مصالح ساختمانی خانه های روستایی ، به ویژه در ارتباط با بناهای سنتی تا حد زیادی به محیط طبیعی پیرامون وابسته است ، بدین معنا که روستائیان اصولاً در درجه اول ، مواد و مصالح ساختمانی موجود در محیط پیرامونی خود را در بناهایی که خود با مقتضیات معیشتی آنها هماهنگی دارد ، بکار می گیرند (سعیدی و همکاران ، ۱۳۷۵ : ۱۲۶).

قبل از تغییر نوع کشت و افزایش درآمدها ، مصالح مورد استفاده در ساختمانها شامل مصالح بومی بود و مصالحی که در روستاها مورد استفاده قرار می گرفت با شرایط بومی منطقه و طبیعت سازگاری داشت . از مصالح مورد استفاده در ساخت دیوارهای فضای داخلی خانه ها خشت و گل آمیخته شده با کاه بود که به جای سیمان از آن استفاده می شد. مصالح ساختمان های قدیمی بیشتر از نوع سنگ ، چوب ، گل و خشت بوده است. پوشش سقف منازل از چوب بوده که از تعدادی تیر (دار) بنا به نیاز استفاده نموده و روی آن تخته می ریخته اند. سپس گیاهانی از قبیل جاروب و علوفه های دیگر روی تخته ها ریخته و در نهایت روی آن را شفته و گل می کرده اند. جلو پشت بام و لبه بام را با استفاده از خرسک و کپی و... برگه بندی و داخل ساختمان را با استفاده از کاه گل و گچ تزئین می کردند.

با تغییر نوع کشت ۸۳.۳ درصد مصالح ساختمانی مورد استفاده در واحدهای مسکونی در روستا تغییر کرده اند و ۱۶.۷ درصد هم معتقدند تغییری در استفاده از مصالح ساختمانی ایجاد نشده است (مطالعات نگارنده).

جدول شماره (۳) : انواع مصالح ساختمانی در روستاها

نوع مصالح ساختمانی		
درصد فراوانی	فراوانی نسبی	
۸.۳	۱	سنگ، گل، چوب
۸.۳	۱	سنگ، چوب، آهن
۵۰	۶	آجر و آهن
۲۵	۳	بتن و بلوک سیمانی
۹۱.۷	۱۱	مجموع
۸.۳	۱	بدون جواب
۱۰۰	۱۲	مجموع

مأخذ : مطالعات میدانی نگارنده سال ۱۳۹۲

این عدم تغییر شامل موارد زیر می باشد:

درآمدهای حاصل از فروش محصولات کشاورزی بعضی خانوارها ناچیز است و فقط به مصرف خانوار روستایی می رسد، خانوار کشاورز نیستند و از طریق دام های کوچک امرار معاش می کنند ، خانواده کشاورز از روستا مهاجرت کرده اند و خانه خالی مانده است یا در صورت مهاجرت خانواده فقط سرپرست خانوار در فصل کشت و زرع به روستا آمده و به مزارع و باغ خود رسیدگی می کند و در بقیه ایام سال در شهر به سر می برد. نوع مصالح ساختمانی مورد استفاده در منطقه بستگی به شرایط آب و هوایی منطقه ، نوع مصالح در روستا دارد . با توجه به نوع اقلیم منطقه که سرد و نیمه خشک می باشد و همچنین کوهستانی بودن و زلزله خیزی منطقه ، بیشترین مصالح مورد استفاده در خانه ها با توجه به زلزله خیز بودن منطقه شامل آجر و آهن می باشد که ۵۰ درصد را شامل می شود ، آجرهایی که از خاک خوب و ترکیبات مناسب تهیه شده و در حرارت لازم پخته شده اند ، دارای مقاومت مناسبی هستند.

در مرتبه بعدی بتن و بلوک سیمانی که ۲۵ درصد را شامل می شود. سنگ و گل و چوب ۸.۳ درصد را به خود اختصاص داده است. در دهه های پیشین در روستا بیشتر از سنگ و گل جهت خانه سازی استفاده می شد که مقاومت کمتری داشته و نسبت به مصالح دیگر ارزان تر بوده است. ولی با تغییر نوع کشت و افزایش درآمدها ، نوع مصالح مورد استفاده در ساختمان ها نیز تغییر کرده است. خانوارهایی که درآمد بالاتری داشته اند از مصالح مقاوم تری مانند آجر و آهن و بتن استفاده کرده اند و در ساخت فضای داخلی خانه ها از مصالح تزئینی استفاده کرده اند. به دنبال افزایش درآمد ناشی از فروش سیب راههای ارتباطی نیز افزایش پیدا کرده است. و افزایش راههای ارتباطی از دیگر عواملی است که باعث شده روستائیان با مصالح مورد استفاده در شهرها آشنا شده و خانه های خود را تحت تأثیر معماری شهرها بسازند. اما در کنار بکار گیری مواد و مصالح ، مدل برداری و تقلید از بناها و معماری شهری و کاربرد مصالح غیر بومی در روستاها رواج یافته است. این روند به ناهماهنگی های موجود در روستا افزوده و با معماری روستا به صورت حالتی بیگانه درآمده است (مطالعات نگارنده).

خانه های روستائیان بسته به جایگاه اجتماعی آنان که عمدتاً " به میزان زمین و املاک و نیز درجه استقلال در فعالیتهای اقتصادی مربوط است اشکال گوناگون و متنوعی دارد. در نهایت می توان گفت علاوه بر ویژگیهای محیط طبیعی ، اشکال خانه های روستایی نیز به نحوی آشکار روابط اجتماعی - اقتصادی و تأثیرات فرهنگی را در گذشته و حال و روند آن را در آینده منعکس می سازد. (سعیدی ، ۱۳۸۴: ۸۴).

پس در این روستاها ساخت واحدهای مسکونی بستگی به درآمد خانوار ، شغل خانوار ، شرایط آب و هوایی منطقه بستگی دارد.

در خانه های روستایی طبقه اول معمولاً مختص فضاهای غیر مسکونی و طبقه بالا وظیفه برآوردن کارکردهای بنیادی و خدماتی را بر عهده دارند و قاعدتاً ایوان ارتباط دهنده فضاهای مسکونی خانوار هستند و همین طور

ارتباط دهنده اتاق های مسکونی خانوار و فضاهای بیرونی خانه (معابر) است (سعیدی و همکاران ، ۱۳۷۵ : ۱۹).

به طور کلی با توجه به ویژگیهای محیطی و معیشتی خانوار و جایگاه اقتصادی و اجتماعی خانوار ، شکل خانه ها و فضا بندی آنها تغییر می کند. خانوارهای دامدار دارای انبار علوفه و طویله است. و یا ممکن است یک کشاورز و یا دامدار مرفه باشد و درآمد بیشتری داشته باشد زیر بنای خانه و حیاط خانه اش بیشتر است پس دارای اتاق و فضای بیشتری برای نگهداری دام و محصولات کشاورزی و انبار ادوات کشاورزی است و یک کشاورز و دامدار با درآمد کمتر ، فضای محدودتری را در اختیار دارد. مساکن دامداران و کشاورزان اکثرا در دو طبقه ساخته شده بود که طبقه اول شامل آغل، طویله، انبار علوفه ، انبار نگهداری ابزارآلات کشاورزی بود و طبقه دوم به محل سکونت خانوار اختصاص دارد. در قسمت عقب خانه معمولا قسمتی به نام صندوق خانه که در آن وسایل مختلفی قرار میگرفت وجود دارد. مساکن قدیمی قبلا دارای طاقچه و رف به تعداد زیاد بوده که در آن وسایل خوراکی و ظروف را جای می داده اند. تمام خانه ها دارای اسامی خاص خود بوده اند که معمولا عبارتند از ارسی (اتاق بزرگ به نام سالن) ، اتاق پنج دری. سرویس بهداشتی کاهدان در طبقه همکف قرار داشته و اغلب آشپزخانه یا مطبخ در حیاط خانه ها ساخته می شده است. ولی با تغییر الگوی کشت ، تعداد و نوع فضا تغییر کرده اند و با افزایش درآمد فضاهایی نظیر نشیمن ، پذیرایی ساخته شده و سرویس بهداشتی و آشپزخانه در فضای داخلی خانه ساخته می شود(مطالعات نگارنده).

مساحت واحدهای مسکونی :

در روستاهای دهستان مساحت خانه هایی که بیش از ۳۰۰ متر می باشد شامل خانوارهای باغدار و دامدار می باشد که جهت نگهداری دام و ادوات کشاورزی خود به طویله ، انبار علوفه و انبار وسایل کشاورزی نیاز دارند همچنین مساحت حیاط این خانه ها نیز زیاد می باشد. این واحدهای مسکونی اکثرا در دهه های ۷۰ - ۵۰ با توجه به ارزان بودن قیمت زمین با وسعت زیاد ساخته شده اند و در ابتدا فقط شامل هال و آشپزخانه و سرویس بهداشتی بوده اند ولی با گذشت زمان و فروش بیشتر سیب و درآمد بیشتر خانه های خود را وسعت دادند و در کالبد خانه تغییراتی را ایجاد کرده و اقدام به ایجاد نشیمن ، پذیرایی ، تغییر ساخت آشپزخانه کردند . در دهه های ۵۰ و ۶۰ اکثر خانوارها از مصالح ساختمانی بومی برای ساخت خانه استفاده می کردند. با توسعه ارتباطات و حمل و نقل از مصالح جدید و غیر بومی نیز استفاده شد و حتی به علت ارتباط با شهرها، معماری داخلی و بیرونی خانه ها را به سبک شهرها ساختند که این امر باعث شد که روستا از حالت سنتی بودن خارج شود. در خانوارهای روستا هر واحد مسکونی با توجه به کارکرد خانوار ساخته می شود ، در خانه هایی که در دهه های ۷۰ - ۵۰ ساخته شده اند و ۳۲.۶ درصد را به خود اختصاص داده اند خانوارهایی که هم باغدار و دامدار بوده اند زمین آنها زیر بنای زیادی داشته خانه را در یک طبقه ساخته اند و این قسمت فقط مسکونی بوده است و طویله

و انبار علوفه و ادوات کشاورزی در سایر قسمت های حیاط ساخته شده است و حیاط خانه ها دارای دیوار نبوده بلکه توسط قوانینی که در منطقه عرف بوده قسمت داخلی خانه از فضای بیرونی جدا شده است ولی روستاهایی که به شهر نزدیک تر بوده اند و ارتباط بیشتری با شهر داشته اند از همان زمان ساخت دارای حیاط با دیوار بوده اند و دیوارها با مصالح بومی منطقه ساخته می شده است ولی بعدا با درآمد بیشتر و ارتباط بیشتر با شهرها از مصالح غیر بومی برای ساخت این دیوارها استفاده شده است. واحدهای مسکونی که در دهه های اخیر یعنی ۹۰ - ۷۰ ساخته شده اند رقم ۶۰ درصد را به خود اختصاص داده اند و خانوارهایی که به مشاغلی غیر از کشاورزی و دامداری اشتغال داشتند مساحت خانه هایشان ۲۰۰ یا کمتر از ۲۰۰ متر می باشد و برابر ۳۹ درصد است و با گرفتن وام خانه هایشان را به سبک امروزی و با تقلید از شهرها و بدون وجود طویله و انبار ابزار کشاورزی و انبار علوفه و در یک طبقه ساخته اند. خانوارهایی که فقط کشاورز و باغدارند و خانه های خود را در دهه جدید ساخته اند خانه هایشان دارای اتاق پذیرایی ، نشیمن ، هال ، سرویس بهداشتی و ... می باشد و انبار ادوات کشاورزی آن ها در خارج از حیاط خانه در محدوده ای که برای این کار اختصاص داده اند ساخته می شود که البته این انبار در کنار واحد مسکونی ساخته می شود. در بعضی روستاها نظیر مهرگرد و چشمه سرد واحدهای مسکونی در داخل باغ ها و مزارع ساخته شده بود که این نوع واحدها در ۲ طبقه بود که در طبقه زیرین یک اتاق مربوط به پارکینگ ماشین های کشاورزی ، اتاق دیگر انبار بود ، همچنین این خانه به تقلید از شهرها دارای بالکن نیز می باشد. سقف خانه هابه علت بارش برف در منطقه به صورت مسطح ساخته می شود تا کار پاک کردن برف از روی سقف آسان تر باشد(مطالعات نگارنده).

شکل شماره (۲): مسکن روستایی جدید



شکل شماره (۳): مسکن روستایی قدیم



جمع بندی و نتیجه گیری

از مهمترین عوامل موثر در کشت سیب در منطقه وردشت اقلیم مساعد، خاک مناسب، کسب درآمد بیشتر بود. که افزایش درآمد بیشتر باعث تغییراتی در وضعیت کالبدی روستاها شد و باعث افزایش راههای ارتباطی و به دنبال آن بواسطه این راههای ارتباطی باعث رفت و آمد مردم منطقه به شهرها و آشنایی با فرهنگ شهری، انواع مصالح ساختمانی جدید، تاثیرپذیری از معماری شهری در خانه های روستایی شد. همچنین کاشت سیب درختی باعث تغییر و تحولاتی در فضای خانه های روستایی شده و موجب جدایی گزینی فضای سکونتی خانه های روستایی از فضای معیشتی و کسب و کار شد. پس محصولات باغی و سیب درختی نقش مهمی در تغییر کالبد سکونتگاهها و روستا دارد.

منابع و ماخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی، (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، چاپ ۲، انتشارات اطلاعات
- ۲- بحرینی، سید حسن، (۱۳۷۱)، فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- ۳- چمبرز، رابرت، (۱۳۸۱)، چالش با حرفه ها عرصه های چالش در توسعه روستایی، ترجمه: علیرضا خرمایی، انتشارات روستا و توسعه: شماره ۴۴، وزارت جهاد کشاورزی تهران، تهران
- ۴- حسینی ابری، حسین، (۱۳۸۳)، مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان
- ۵- زنجانی، حبیب الله، (۱۳۷۱)، جمعیت و توسعه، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران
- ۶- سرتیپی پور، محسن، (۱۳۸۴)، مسکن روستایی در برنامه های توسعه، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صفحه ۴۴
- ۷- سعیدی، عباس، (۱۳۸۴)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران
- ۸- سعیدی، عباس، (۱۳۸۶)، مبانی جغرافیا روستایی، انتشارات سمت، تهران
- ۹- سعیدی، عباس و همکاران، (۱۳۷۱-۱۳۷۷)، سطح بندی روستاهای کشور، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران
- ۱۰- سرتیپی پور، محسن، (۱۳۸۸)، آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران
- ۱۱- مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ شمسایی، ابراهیم، (۱۳۸۶)، توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی؛ مطالعه موردی: بخش سجاسرود زنجان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۶، صص ۱۰۴-۸۵
- ۱۲- محمدی، محمد مهدی و نیکو مقدم، نیلوفر، (۱۳۸۷)، کاهش آلودگی های ناشی از توسعه مسکن با راهکارهای طراحی معماری (مطالعه موردی: بافت های مسکونی اطراف تهران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صفحه ۲۷
- ۱۳- مهندسان مشاور تدبیر شهر، (۱۳۸۳)، طرح جامع شهر سنندج، مطالعات وضع موجود، سازمان مسکن و شهرسازی استان کردستان
- ۱۴- نستورخ، میخائیل، (۱۳۸۵)، مبدأ نژادهای انسان، انتشارات اندیشه، تهران